

اندیشهٔ عمر تلمسانی و گذار اخوان المسلمین به دموکراسی

تاریخ دریافت: ۹۹/۰۸/۰۵

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۰۳

علی‌اکبر علیخانی^۱

چکیده

عمر تلمسانی سومین رهبر جماعت اخوان المسلمین بود که نقش زیادی در گذار این جنبش به دموکراسی ایفا کرد. هدف این مقاله، تبیین مهم‌ترین دیدگاه‌های سیاسی اجتماعی تلمسانی و نشان‌دادن میزان تأثیرگذاری او بر جنبش اخوان المسلمین در واردکردن این جنبش به فرایندهای دموکراتیک است. اهمیت اندیشه و عملکرد تلمسانی از آنجا بیشتر روشن می‌شود که اخوان ورود به فرایندهای دموکراسی را نامشروع و غیرمجاز می‌دانست و حسن‌البناء، مؤسس و اولین رهبر این جنبش نیز بر آن تأکید کرده بود. روش این پژوهش «تحلیل محتوای کیفی» بوده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تلمسانی نخست به تبیین مبانی و توجیهات نظری برای سازگاری اسلام با اصول دموکراتیک پرداخت. سپس اقدامات ساختاری برای این گذار در جنبش انجام داد و پس از آن تلاش کرد به چالش‌ها و مخالفت‌های داخل اخوان و مخالفان بیرونی آن پاسخ دهد. یافته‌های مقاله در دو بخش اصلی، نخست دیدگاه‌های سیاسی اجتماعی تلمسانی را که مبنا و منشأ حرکت و اقدامات اوست روشن می‌کند و بخش دوم به اقدامات او در جنبش اخوان می‌پردازد که بازخوانی دموکراتیک این جنبش و اقدامات عملی او در واردکردن اخوان المسلمین در رقابت‌های حزبی و تعامل و گفت‌وگو با معاندان و مخالفان این جنبش است. اندیشه و اقدام مهم دیگر تلمسانی، قداست‌زدایی از حکومت و حاکمان اسلامی و زمینه‌کردن آن‌ها بود که تقبل‌پذیر بودن آن‌ها را ممکن را می‌کرد.

واژه‌های کلیدی: اخوان المسلمین، اسلام، اندیشهٔ سیاسی، دموکراسی، عمر تلمسانی، مصر.

۱. دانشیار دانشگاه تهران؛ a.alikhani@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

رهبران هر جریان و جماعتی ضمن اینکه با چالش‌های بسیار روبه‌رو هستند، می‌توانند منشأ اثر و تحولات بزرگی باشند. از جمله این رهبران عمر تلمسانی، سومین مرشد اخوان المسلمین است که از شخصیت‌های تأثیرگذار در مصر و جهان اسلام به شمار می‌رود. او یک متفکر و رهبر واقع‌گرا و نوگرا با مشی اعتدالی است که در فضای متشنج مصر و جنبش اخوان المسلمین، توانست نقاط عطف مهمی در سیر حرکت و اندیشه‌های جمعیت اخوان المسلمین ایجاد کند. استحکام ساختارهای تشکیلاتی، پویایی آموزه‌های سیاسی و اعتقادی و خط‌مشی‌های عملی اخوان المسلمین که موجب استمرار حیات این جنبش شد، تا حد زیادی مرهون عمر تلمسانی است. مسئله پژوهش فهم اندیشه‌های تلمسانی و چگونگی عملکرد او برای گذار اخوان به دموکراسی بوده است. ورود اخوان به فرایندی که قبلاً آن را غیرمشروع یا غیرمجاز می‌دانست به سه مؤلفه مهم نیاز داشت: نخست مبانی و توجیحات نظری قوی، دوم اقدامات اساسی و ساختاری برای این گذار و سوم پاسخ به چالش‌ها و مخالفت‌های داخل اخوان و مخالفان بیرونی آن. علل و نحوه موفقیت تلمسانی در هر سه اقدام فوق مسئله درخور مطالعه و فهم است. اگر این اقدام توسط تلمسانی یا فرد دیگری بعد از او انجام نمی‌شد، این جنبش نمی‌توانست تا به امروز ادامه حیات بدهد.

عمر عبدالفتاح عبدالقادر مصطفی التلمسانی (۱۹۸۶-۱۹۰۴ م/۱۴۰۶-۱۳۲۲ ق/۱۲۸۳-۱۳۶۵ ش)، در محله‌ای از حواشی بخش الدرب الأحمر قاهره، در یک خانواده ثروتمند و اشرافی الجزایری به دنیا آمد. پدر بزرگ او عالم دینی و پدرش تاجر بود. اصالت خانوادگی او به تلمسان الجزایر بازمی‌گردد. جدش به دلیل اشغال الجزایر توسط ارتش فرانسه، به مصر مهاجرت کرد و در قاهره ساکن شد. دروس مقدماتی را در همین شهر فراگرفت و سپس به دانشکده حقوق دانشگاه قاهره رفت. پس از اخذ مدرک تحصیلی در رشته حقوق، به وکلای دادگستری شیین القناطر استان القلیوبیة پیوست و شغل وکالت را در پیش گرفت. در سال ۱۹۳۳، با حسن البناء ملاقات کرد و با بیعت با او به جمعیت اخوان المسلمین پیوست (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۸۰). جماعت اخوان المسلمین در مارس ۱۹۲۸ (ذیقعه ۱۳۴۷) توسط حسن البناء بنیان گذاشته شد. او از میان سه جریان سنت‌گرا، نوگرا و اصلاح‌طلب نخبگانی را برای جماعت اخوان جذب کرد

و فعالیت‌های آن را از منازل و مدارس به مساجد و سپس به عرصه‌های سیاسی اجتماعی کشاند و در سال‌های بعد به فاز نظامی ورود پیدا کرد و مسلح شد (صاحبی، ۱۳۹۶: ۶۰۳-۶۰۶ و ۶۱۹). پس از کشته‌شدن البناء در ۱۲ فوریه ۱۹۴۹، حسن الهضیبی رهبری اخوان را به‌عهده گرفت و دوران پرفراز و نشیبی را پشت سر گذاشت. پس از درگذشت شیخ حسن الهضیبی در نوامبر سال ۱۹۷۳ م (۱۳۹۳ ق) بحران در دستگاه رهبری اخوان المسلمین به‌وجود آمد که با انتخاب عمر تلمسانی، مسن‌ترین عضو مکتب ارشاد و سومین مرشد اخوان المسلمین، بحران مشروعیت رهبری فروکش کرد. مرشد سوم اخوان چهارشنبه ۱۳ رمضان ۱۴۰۶ ق/۲۲ می ۱۹۸۶ م در ۸۱ سالگی در قاهره درگذشت. تلمسانی دارای آثار متعدد علمی در قالب مقاله، سخنرانی و کتاب است (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۸۰).

هدف و پرسش‌های پژوهش

هدف این مقاله، مروری بر مهم‌ترین دیدگاه‌های سیاسی-اجتماعی عمر تلمسانی و نشان‌دادن میزان تأثیرگذاری او بر جنبش اخوان المسلمین در واردکردن این جنبش به فرایندهای دموکراتیک است که اخوان آن را غیرمشروع می‌دانست و حسن البناء بنیان‌گذار جنبش آن را ممنوع اعلام کرده بود. براین اساس پرسش اصلی پژوهش این است که عمر تلمسانی دارای چه اندیشه‌های سیاسی-اجتماعی و چه عملکردی در راستای اندیشه‌هایش بود که توانست اخوان المسلمین را از نظریهٔ خلافت به فرایندهای دموکراتیک گذار دهد. در ادامه پرسش اصلی فوق، پرسش‌های فرعی بیان شده است:

۱. رئوس اندیشهٔ اجتماعی تلمسانی چیست؟
۲. رئوس اندیشهٔ سیاسی تلمسانی کدام‌اند؟
۳. تلمسانی به‌عنوان سومین رهبر اخوان، چه تفسیر سیاسی-اجتماعی از اسلام ارائه داد؟
۴. تلمسانی چگونه جنبش اخوان المسلمین را به‌صورت دموکراتیک بازخوانی کرد؟
۵. اخوان تحت رهبری تلمسانی چگونه در عمل وارد فرایندهای دموکراتیک شد؟
۶. نتایج اندیشه‌ها و عملکرد تلمسانی چه بود؟

پیشینه پژوهش

مقالات و کتاب‌های بسیاری درباره جنبش اخوان المسلمین و رهبران آن‌ها منتشر شده است که این آثار به‌طور غیرمستقیم پیشینه این پژوهش محسوب نمی‌شوند. درباره «اندیشه و عملکرد تلمسانی» و «گذار اخوان به دموکراسی» که موضوع این پژوهش است، به‌صورت جداگانه آثاری وجود دارد، ولی نگارنده نتوانسته است اثری بیابد که این دو را در تلفیق با یکدیگر دیده باشند. عبدالرحیم بن محمد الجوهری کتابی با عنوان *عمر التلمسانی مجاهداً، مفکراً، کاتباً* در سال ۱۹۸۶ توسط *المؤسسه الإسلامیه الدولیه للطبع والنشر والتوزیع* در قاهره منتشر کرد. این کتاب با رویکردی عمومی، شرحی از زندگی و دیدگاه‌های کلی تلمسانی به‌دست می‌دهد. کتاب دیگری به سال ۱۹۸۷ توسط *مصطفی العدوی*، با عنوان *عمر التلمسانی بین حماس الشباب و حکمه الشیوخ*، توسط *دار الأفضی للکتاب* در قاهره منتشر شد که تلاش کرد عملکرد تلمسانی را در مدیریت جوانان انقلابی و پرشور اخوان نشان دهد و تلاش‌های او را برای هدایت اخوان به دور از تش و تندروی به تصویر بکشد. درخصوص گذار اخوان به دموکراسی، هادی صادقی اول و محمدرضا چیت‌سازیان، در سال ۱۳۹۲ مقاله‌ای با عنوان «رویکرد اخوان المسلمین در قبال فرایند دموکراسی در مصر»، در پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل منتشر کردند و اشاره کوتاهی هم به تلمسانی داشتند. در مجموع می‌توان گفت مقاله‌ای که به‌طور مشخص بر اندیشه سیاسی - اجتماعی عمر تلمسانی و عملکرد او برای عبوردادن اخوان المسلمین به دموکراسی باشد، برای اولین بار است که منتشر می‌شود.

چارچوب نظری

عمر تلمسانی مانند سایر رهبران و فعالان سیاسی - اجتماعی، نظریه‌پرداز یا پژوهشگر دانشگاهی نیست. یکی از بهترین چارچوب‌های نظری برای فهم چنین متفکران و رهبرانی، چارچوبی است که اسپریگنز در کتاب *فهم نظریه‌های سیاسی* ارائه می‌دهد. براساس این چارچوب نظری، متفکر در مرحله اول بحران و مسئله را مشاهده می‌کند، در مرحله دوم تلاش می‌کند علل درد و مسئله را تشخیص دهد، در مرحله سوم راه درمان و رسیدن به شرایط مطلوب را در ذهن خود بازسازی می‌کند و در مرحله چهارم به ارائه راه‌حل و عمل می‌پردازد. (اسپریگنز، ۱۳۹۸). در

بررسی و تحلیل اندیشه عمر تلمسانی چهار مرحله فوق به‌عنوان یک چارچوب نظری برای فهم اندیشه و عملکرد تلمسانی مدنظر نویسنده بوده است. از آنجا که هر عمل و اقدامی دارای یک مبنای نظری است و بر یک نگرش و باور استوار است، در این مقاله ابتدا دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی تلمسانی بحث شده و سپس عملکرد او در رهبری اخوان تحلیل شده است. گاهی نیز این دو هم‌زمان بوده‌اند.

روش پژوهش

روش این پژوهش تحلیل محتوای کیفی است؛ روشی انعطاف‌پذیر برای تحلیل اطلاعات در داده‌های متنی که از رویکردهای برداشت‌گرایانه حدسی و تفسیری، تا رویکردهای دقیق و نظام‌مند را شامل می‌شود. تحلیل محتوای کیفی این امکان را برای پژوهشگر فراهم می‌کند که با حفظ اصالت و حقیقت داده‌ها، آن‌ها را به‌گونه ذهنی ولی با روش علمی تفسیر کند (ایمان و نوشادی، ۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی یکی از مناسب‌ترین روش‌ها برای استفاده در این پژوهش بوده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های این پژوهش پرسش‌های آن را در قالب یک بحث منسجم و ساختاربندی شده پاسخ می‌دهد. در متن مقاله تک‌تک پرسش‌ها ذکر نشده‌اند، اما مجموع مباحث، هیچ‌کدام از پرسش‌های مطرح شده را بی‌پاسخ نگذاشته‌اند. این مقاله در دو بخش اصلی سامان یافته است. در بخش نخست به تبیین دیدگاه‌های سیاسی - اجتماعی تلمسانی پرداخته است که مبنای منشأ حرکت و اقدامات تلمسانی است. در بخش دوم اقدامات او در جنبش اخوان المسلمین بحث شده که نخستین گام آن بازخوانی دموکراتیک این جنبش است که آن را بر مبنای اندیشه‌های قبلی خود انجام داده است. گام دوم اقدامات عملی او در واردکردن اخوان در رقابت‌های حزبی و تعامل و گفت‌وگو با معاندان و مخالفان اخوان است.

دیدگاه‌های سیاسی اجتماعی

سیاست و حکومت

قوانین الهی در حکومت

مانند سایر اسلام‌گرایان ریشه‌دار در سنت، عمر تلمسانی قوانین الهی را دارای برتری به قوانین بشری می‌داند و معتقد است قانون‌هایی که از تمایلات بشر نشئت می‌گیرند، تنها متضمن منافع واضعان آن قوانین هستند. قانون‌گذاران از هر گروه و طبقه‌ای از جامعه باشند، سعی در تأمین و تضمین منافع خود و هم‌فکرانشان دارند و براین اساس دست غیرخودی را از قدرت کوتاه می‌کنند تا به‌تنهایی بر حکومتی که سالیان متمادی از آن محروم بودند، تکیه کنند. اگر نوع حکومت در کشوری فردی یا طبقاتی و واضح قوانین این حکومت یک فرد یا گروه خاص باشد، در این مسئله به اموری بسنده می‌کند که ضامن بقای حکومتش باشد و تمام هدفش در قانون‌گذاری این است که مردم را مجبور به پذیرش حکومتی کند که در رأس آن قرار دارد؛ چه این حکومت بر آزادی و چه بر استثمار و برده‌داری مبتنی باشد، اما شریعت و قوانین الهی فراگیر است و نیازهای همه انسان‌ها را مدنظر دارد و منافع همه اقشار از حاکمان گرفته تا زیردستان را شامل می‌شود. در شریعت و قانون الهی به همه موضوعات از نظارت بر حکومت و حفظ ثبات و پایداری آن گرفته تا مصلحت و منافع فرد و جامعه پرداخته شده است (الجوهری، ۱۹۸۶ م: ۴۰).

تلمسانی بر این بخش از آموزه‌های اسلام تأکید کرد که خداوند همه مردم را در حقوق و تکالیف مساوی خلق کرده است و بهترین افراد نزد او، باتفاوت‌ترین‌ها هستند. همه انسان‌ها باید به حقوق خود برسند و حکومت‌ها موظف به ادای حقوق آن‌ها هستند. سکوت بر ظلم ظالم، ظلم است. از نظر رسول‌الله (ص) اهتمام به اصلاح امور مردم مهم‌ترین وظیفه حاکم اسلامی است. پرداختن به خود قبل از مردم، خسران دنیا و آخرت را برای حاکم به دنبال دارد (التلمسانی، ۱۴۰۰ ق: ۴۹). بی‌شک خیر به‌طور کامل در یک جامعه محقق نمی‌شود، مگر اینکه شریعت مبتنی بر کتاب خدا و سنت رسول‌الله (ص) از طریق یک حکومت صالحه اجرا شود. با ترک چنین آرمانی، امنیت، رفاه، آزادی و ثبات جامعه عملاً محقق نمی‌شود. ایشان همچنین معتقد است که در این راستا رسانه‌های اسلامی نقش مهمی را ایفا می‌کنند. فلسفه‌ای که این رسانه‌ها در پیش

می‌گیرند دارای ضوابطی است که عبارت‌اند از: به‌کاربردن کلمات رکیک و عبارات توهین‌آمیز، نشان‌دادن خصومت هنگام اختلافات، جلوگیری از شایعات نادرست، تبلیغ دروغین و بدنام‌کردن مخالفان (السماسیری، ۲۰۰۸ م: ۴۶۰).

اسلام و حکومت دینی

موجی از اسلام‌ستیزی پیش از دهه ۹۰ میلادی در رسانه‌های مصری آن زمان به راه افتاده بود که تلمسانی را واداشت در نوشته‌ای با عنوان *اسلام و حکومت دینی* این نکته را مطرح کند که روزنامه‌ها و نویسندگان این متون سعی دارند چهره‌ای از حکومت اسلامی نشان دهند که نه تنها دین آن را وعده نداده است و به رسمیت نمی‌شناسد، بلکه اسلام از اساس از آن مبراست و فرد و طبقه‌ای با عنوان «رجال دین» یا روحانیون و متصدیان دین به رسمیت نمی‌شناسد. نویسندگانی که جهت‌گیری فکری و مذهبی‌شان مشخص است، سعی دارند حکومت اسلامی را با حکومت پاپ‌ها در قرون وسطی همانندسازی کنند که در آن روحانیون هرکس را که دوست داشتند به بهشت و هرکسی را که از او بیزار بودند، به جهنم می‌فرستادند و حلال و حرام را طبق امیال و علایق و منافع خود تعیین می‌کردند؛ درحالی‌که این شکل از حکومت دینی به هیچ‌وجه در اسلام وجود ندارد. خداوند تبارک و تعالی همه مردم را مساوی قرار داده است. مرد و زن و حاکم و محکوم همه حقوق و تکالیف مساوی دارند و هیچ برتری برای شیخ‌الازهر از نگهبان درب ورودی الازهر و همچنین رئیس‌جمهور و نگهبان وی وجود ندارد؛ جز تقوا که در آیه کریمه بدان تصریح شده است.^۱ مسلمانان نیز این امر را دریافتند و این بدان معناست که قدرتی ویژه از جانب خداوند به رهبر و رئیس‌جمهور و مفتی الازهر تفویض نشده است که بر اساس آن جایگاهشان از عموم مردم جدا شود. پیامبر اکرم (ص) چیزی را حلال و حرام اعلام نکرد؛ مگر آنکه خداوند آن را وحی کرد بود و حتی رسول خدا (ص) این حق را ندارد که کسی را وارد بهشت یا از آن محروم کند. آن حضرت همیشه اوامر الهی را اجرا و از نواهی الهی اجتناب می‌کردند؛ پس چگونه یک مسلمان می‌تواند حکومت اسلامی را که براساس شرع الهی است

۱. يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ (حجرات):

به‌گونه‌ای توصیف و تفسیر کند که در آن خودکامگی و تکروی حاکم وجود داشته باشد؛ در نتیجه حکومت اسلامی به آنچه پاپ‌ها و پیروان آن‌ها در قرون وسطی مدعی بودند هیچ شباهتی ندارد. اگر حاکم اسلامی مسلمان واقعی و مقید به شرع الهی باشد، ظلم نخواهد کرد و قطعاً ثابت می‌شود که حکومت اسلامی که به‌تازگی عنوان «حکومت دینی» بر آن اطلاق می‌کنند، بهترین حکومت روی زمین است (التلمسانی، «الإسلام والحکومة الدینیة»، وبگاه اینترنتی).

تلمسانی اسلام را طلایه‌دار ایمان، عبادت، عشق به میهن، فرهنگ، قانون و قدرت معرفی می‌کند که یک نظام کامل برای اداره همه جنبه‌های زندگی بشر است و به همین دلیل مردم برای حل مشکلات خود به سوی اسلام گرایش می‌یابند. او قدرت را دارای سه سطح می‌داند، نخست قدرت اعتقاد و عقیده، دوم قدرت اتحاد و وحدت و سوم قدرت سیاسی و به تعبیر دقیق‌تر قدرت اسلحه و زور. اگر قدرت اعتقاد و عقیده از دست برود و هیچ اتحادی وجود نداشته باشد، اتکا به قدرت نظامی و امنیتی و سلاح، نتیجه‌ای جز ویرانی نخواهد داشت. او تصریح می‌کند که اخوان المسلمین خواستار انقلاب نیست و به کارایی و سودمندی آن نیز باور ندارد. اگر اخوان المسلمین در میان امت اسلامی کسی را پیدا کند که بتواند این مسئولیت خطیر حکومت را برعهده بگیرد و براساس اصول قرآنی و اسلامی حکومت کند، حامی، همکار و سرباز او خواهد بود. اگر چنین رهبر و حاکمی پیدا نشود، آنگاه اخوان المسلمین برنامه خود را در حوزه حکومت پیگیری خواهد کرد (صادقی اول و چیت‌سازیان، ۱۳۹۲ ش: ۵۳-۵۴).

تلمسانی درباره متداول شدن مفهوم «حکومت دینی» می‌گوید، حکومت دینی واژه‌ای جدید است که هیچ‌کدام از فقهای مسلمان که به حکومت و مقومات آن پرداخته‌اند، به این واژه اشاره نکرده‌اند، بلکه همه از حکومتی سخن گفته‌اند که در آن شرع الهی اجرا می‌شود و این همان هدفی است که اخوان المسلمین از آغاز دعوت خود خواهان آن بود. اخوان المسلمین از حکومتی سخن گفته که همه انسان‌ها با یکدیگر مساوی، هستند و حاکم و محکوم، جز به میزان تقوا بر یکدیگر برتری ندارند. براین اساس همه مسلمانان «رجال دین» هستند. چنین حکومتی اسلامی است؛ زیرا اشخاص در آن مسلمان و متدین هستند؛ حتی اگر خطا و انحرافی از برخی افراد سر بزنند. شاید در طول تاریخ اسلام برخی حاکمان ظالم وجود داشتند، اما این امر را نمی‌توان به حقیقت اسلام نسبت داد (همان).

تلمسانی در ادامه مباحث خود در باب حکومت، حکومتی را که شریعت الهی اجرا می‌کند، اگرچه حاکمانی ظالم داشته باشد، بر حکومتی که شریعت الهی را اجرا نمی‌کند، حتی اگر عادل باشد و صفات عدالت و انصاف و آزادی بر آن اطلاق شود، ترجیح می‌دهد؛ چون عدالت و آزادی به معنای درست آن که کرامت‌های انسانی فرد و مصلحت جامعه است، تنها در شریعت الهی وجود دارد و این از لحاظ شکلی و موضوعی حقیقتی ناطق است؛ هرچند پیروان هوای نفس در آن شک و شبهه ایجاد کنند. او همچنین درباره حکام ظالمی که مدعی حکومت اسلامی هستند، می‌گوید که عیب در اسلام نیست؛ عیب حاکمانی هستند که سعی در اجرای اسلام دارند؛ درحالی‌که از رفتار و سلوک اسلامی دور هستند. همچنین نویسندگانی که در نقد حکومت اسلامی به این نوع حکومت‌ها استناد می‌کنند، اطلاعات کافی از دین اسلام ندارند. عمر تلمسانی درباره پرداختن مسلمانان به مسئله علم‌آموزی در مقایسه با غرب می‌گوید، برخی دلیل عقب‌ماندگی ملت مسلمان را پابندی به دین و دلیل پیشرفت کشورهای غربی را کنارگذاشتن دین می‌دانند؛ درحالی‌که این‌طور نیست و کشورهای غربی دین خود را کنار نگذاشته‌اند و کلیساها همچنان رونق دارند. غرب به علم اهمیت داده و به طبع آن از علم سود برده است و مسلمانان در اهمیت دادن به علم و تعلیم کوتاهی کردند و جاهل باقی ماندند. اگر به معنای واقعی حکومت‌های اسلامی در کشورهای ما برپا می‌شد، علم نافع نیز نصیبمان می‌شد و چنین وضعیت آشفته‌ای نداشتیم (همان).

آزادی و حقوق زنان

عمر تلمسانی درباره آزادی بر این باور است که آزادی تنها یک حق نیست، بلکه یکی از عناصر حیات فاضله است که خداوند آن را به مثابه فیض به بندگانش عطا کرده است. آزادی یک امر طبیعی برای بشر است؛ مثل اینکه معده غذا را هضم می‌کند و کسی این را به او دستور نداده است. به همین صورت آزادی نیز یک نعمت الهی است که کرامت‌های انسانی فرد و مصلحت جامعه را شامل می‌شود و معنای حقیقی آن در شرع الهی وجود دارد و این از لحاظ شکلی و موضوعی حقیقتی ناطق است. حکومتی که اساس آن شریعت الهی است

دربدارنده آزادی برای ملت‌هاست و حاکم از تجسس در امور مردم منع شده است (التلمسانی، «الإسلام والحکومه الدینیه»).

تلمسانی به جایگاه و حقوق زنان در اسلام نیز پرداخته و کوشش کرده است به برخی انتقادات در این باره پاسخ دهد. وی می‌گوید: «برخی با بیان اینکه موقعیت زن در اسلام در خطر است و حقوق زنان در اسلام پایمال شده است درصددند جایگاه زن مسلمان را به جایگاه زنان غربی تبدیل کنند که پر از ابتذال است. شأن و جایگاه زن در یک حکومت اسلامی همانند مردان است. زن‌های مسلمان همانند مردان علم می‌آموزند و حدیث روایت می‌کنند و دین را نشر می‌دهند و به فقاقت می‌پردازند. زن مسلمان دارایی خود را آن‌چنانکه دوست دارد مصرف می‌کند، بدون اینکه از همسر خود اجازه بگیرد. همچنین در عرصه‌هایی که با جنسیت وی سازگاری دارد فعالیت می‌کند، اما زن در همه امور نمی‌تواند مثل مرد باشد؛ چون از نظر فیزیکی با مرد تفاوت دارد و علم ثابت کرده بافت بدنی مرد و زن با یکدیگر متفاوت است. سخن از برابری حقوق زن و مرد در مطلق امور با طبیعت و خلقت زن و مرد مخالف است. اسلام بین این دو از لحاظ حقوق و وظایف تساوی برقرار کرده، اما در میدان‌های کار و سختی‌های زندگی برابر نیستند» (التلمسانی، ۱۹۸۵ م: ۱۱).

هم‌گرایی و هم‌زیستی دینی و ملی

ضرورت وحدت اسلامی

عمر تلمسانی انسانی معتدل و به‌دنبال صلح بود (التلمسانی و غازی ۲۰۰۸ م: ۲۳۱). به نظر ایشان مهم‌ترین مسئله امت اسلامی در عصر حاضر، اتحاد این امت است. بر همه فرقه‌های اسلامی واجب است اختلافات خود را فراموش کنند و برای پرهیز از خطر تفرقه و اختلاف متحد شوند. این تنها برای یک یا چند گروه و جماعت نیست؛ زیرا خطر تفرقه همه جهان اسلام را تهدید می‌کند و همه باید متحد و هم‌دل شوند (التلمسانی، ۱۹۸۵ م: ۲۶-۲۷). اعتقاد او بر این بود که اختلاف بین شیعه و سنی ریشه‌ای نیست و آن‌ها در هیچ موضوعی از اصول دین، یعنی شهادت به وحدانیت الهی و رسالت حضرت محمد (ص) با هم تفاوتی ندارند. به این دلیل مانعی برای جمع بین این دو فرقه با یکدیگر وجود ندارد. اختلاف آن‌ها تنها بر سر فرعیات

است؛ برای مثال هیچ‌کدام از آن‌ها نمی‌گویند نماز صبح سه رکعت یا نماز مغرب چهار رکعت است؛ پس اصول برای هر دو یکی است. یک ویژگی مهم اسلام این است که بهره‌گیری از عقل و عقلانیت را به ما توصیه کرده تا بتوان در احکام شرعی استنباط کرد. با چنین نگاهی به مذاهب اسلامی، وی هرگونه تفرقه و شقاق میان مسلمانان را رد می‌کند (التلمسانی، ۱۴۰۰ ق: ۱۴-۱۵).

در نظر تلمسانی، اجتهاد از مسلمات و حقایق اسلامی و به‌مثابه فرایندی است که تنوع قرائت‌ها را برای امت اسلامی در پی دارد و خود را در جریان‌های متعدد فکری نمایان کرده است؛ به‌ویژه که هر جریانی خود سبب پویایی و زاینده‌گی شده است. به نظر وی تعمق برای یافتن اختلافات میان اجتهادهای گوناگون در فرقه‌های اسلامی درست نیست و باید تنها بر مشابهت‌ها و آنچه مسلمین بر آن اتفاق دارند، متمرکز شد. به‌هیچ‌وجه نباید آتش اختلافات را دامن زد و شاید به‌کمک چنین عملکردی خداوند متعال برای امت اسلامی راه‌گشایی فراهم کند (التلمسانی، ۱۹۸۵ م: ۲۷). اخوان المسلمین در دوره رهبری عمر تلمسانی در عمل نیز کم‌وبیش با رویکرد فوق‌با ایران و شیعه مواجه شد. او به نفع انقلاب اسلامی ایران موضع‌گیری کرد؛ تا حدی که زکی بدر، وزیر کشور وقت مصر پس از سرکوب اخوانی‌ها، یکی از اتهامات آن‌ها را حمایت از انقلاب اسلامی ایران دانست و آن‌ها را مزدوران ایران نامید. متقابلاً تلمسانی از سادات به‌دلیل استقبال از شاه ایران به‌شدت انتقاد کرد (التلمسانی، ۱۹۸۴: ۱۱۰). تلمسانی با صراحت عراق را آغازگر جنگ بر ضد ایران دانست (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۶۸). با این حال با استناد به روایتی از پیامبر اکرم (ص) بیان کرد که در یک نزاع بین مسلمانان، قاتل و مقتول هر دو در آتش خواهند بود (ابوداود، ۱۴۲۰ ق: ۱۸۲۵؛ هارونی، ۱۴۲۲ ق: ۵۵۲). از نظر او این قاعده تنها مخصوص افراد نیست، بلکه جنگ بین دولت‌های اسلامی را نیز دربرمی‌گیرد. او می‌گوید اگرچه همه جهانیان می‌دانند که عراق آغازگر جنگ علیه ایران به‌شمار می‌آید، اما آرزوی قلبی من این بود که حاکمان کشورهای اسلامی با یکدیگر جمع می‌شدند و با عزم و تصمیم چنین جنگی را متوقف می‌کردند؛ زیرا علل شکل‌گیری این جنگ فتنه‌های خارجی و استعمار بوده است. ارتش‌های ایران و عراق از بزرگ‌ترین ارتش‌های اسلامی در منطقه جغرافیایی مشرف بر اسرائیل بودند و این رژیم از توان و قدرت هر کشور دو می‌ترسید (التلمسانی، ۱۹۸۲ م: ۱۸). همچنین تلمسانی از ارتباط نزدیک فدائیان اسلام و

اخوان المسلمین سخن گفته و تصریح کرده است که از بدو تشکیل انجمن تقریب میان مذاهب اسلامی، که امامان حسن البناء و محمدتقی قمی سهم بسزایی در به وجود آوردن آن داشتند، همکاری بین اخوان المسلمین و شیعیان پیوسته رو به گسترش بوده است و در همین راستا امام نواب صفوی، رهبر فدائیان اسلام در سال ۱۹۵۴ از قاهره دیدن کرد (خسروشاهی، ۱۳۹۲: گفت‌وگوی عمر التلمسانی با خسروشاهی).

وطن‌دوستی و ملی‌گرایی

تلمسانی وطن‌دوستی را قبول دارد، اما ارزش بیشتری برای وحدت اسلامی و توجه به امت مسلمان قائل است و ایجاد حد و مرز و انشقاق میان مسلمانان براساس مرزهای جغرافیایی را رد می‌کند. به نظر او میهن‌دوستی به این معنا نیست که مسلمانان امت واحدی نیستند، یا به معنای دوری از مسلمانان جهان نیست، بلکه مسلمانان با وجود اختلاف افکار و عقاید، به فرموده قرآن امت واحد هستند.^۱ ما باید وطن خود را دوست داشته باشیم، اما این به معنای داشتن تعصب نیست. همه مسلمانان امت واحدی هستند؛ یعنی احساس من به یک مسلمان پاکستانی یا اندونزیایی مثل احساس من به یک مسلمان مصری است و در احساسات و غم و شادی او شریک هستم (العدوی، ۱۹۸۷ م: ۸۹).

تلمسانی در جای دیگر وحدت ملی را امری بدیهی می‌داند و آن را با هویت اسلامی و وحدت اسلامی پیوند می‌زند. او جدال بر سر وحدت ملی را بی‌معنا می‌داند؛ زیرا بر همه شهروندان کشور واجب است که از کرامت خود و میهنشان حفاظت کنند و بر وحدت ملی پایبند باشند و در سایه شریعت اسلامی برای وطن خود پایه‌هایی محکم و ضمانت‌هایی فراگیر ایجاد کنند. هر مسلمانی زمانی که یک غیرمسلمان در وطنش مورد ظلم قرار می‌گیرد یا حقوقش پایمال می‌شود، به آن واکنش و توجه نشان می‌دهد. به نظر او فرد نه یک عنصر منفی در جامعه، بلکه یک عامل فعال است که هزینه انسانی خود را به‌عنوان یک موجود که فایده‌ای در عالم وجود دارد، می‌پردازد و این مسئله‌ای است که به‌موجب آن جامعه نیز باید به تک‌تک افراد و امور زندگی آن‌ها اهمیت بدهد (العدوی، ۱۹۸۷ م: ۸۹-۹۱).

۱. إِنْ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ (الأنبياء: ۹۲).

گذار اخوان المسلمین به دموکراسی

بازخوانی دموکراتیک اخوان المسلمین

چنانکه کم‌وبیش تا اینجا روشن شد، مهم‌ترین اقدام تلمسانی و محور تفکرات او، ارائه خوانشی دموکراتیک از اخوان المسلمین بود تا متعاقب آن این جنبش را وارد فرایندهای دموکراتیک کند. تلمسانی مجبور بود مبانی، اهداف و آموزه‌های اخوان را از نو و با خوانش خودش توضیح دهد و این کار را از مؤسس و مهم‌ترین رهبر اخوان یعنی حسن البناء آغاز کرد.

حسن البناء

نفوذ حسن البناء بر جنبش اخوان از رابطه‌ای سازمانی و تشکیلاتی فراتر بود و او نوعی نفوذ معنوی برای اعضای اخوان داشته و حتی رابطه مرید و مرادی حاکم بوده است (آل یمین، ۱۳۹۸ ش: ۹۵-۹۸). اندیشه‌های سیاسی اجتماعی بناء نیز درخور توجه است (خسروی، ۱۳۹۰: ۴۰۹-۴۴۰). براین اساس تلمسانی ابتدا باید شخصیت بنیان‌گذار اخوان را تأیید و تثبیت می‌کرد تا در مرحله بعد بتواند برخلاف دیدگاه‌های ضد حزبی او قدم بردارد که البته کار سختی بود. او اصلاح‌گری حسن البناء را با ابن تیمیه که شخصیت مورد قبول اهل سنت و طیف تندرو است، مقایسه می‌کند تا حرفش مقبولیت بیشتری داشته باشد. او می‌گوید مهم‌ترین خدمت ابن تیمیه و شاگردانش به امت اسلامی، به ثمر رساندن فقه اسلامی و توضیح روش‌های سلف صالح و احیای عظمت اسلامی است و در این راه زندانی شدید و رنج را تحمل کرد. مکتب امام حسن البناء عمیق‌ترین تأثیرات را بر جوانان مسلمان در عصر حاضر داشته است. آن‌چنان‌که مکتب ابن تیمیه، راه درست فقاہت را به علمای حق آموزش داد، حسن البناء نیز مجاهدان میدان جنگ را تربیت کرد. آن‌گونه که مکتب ابن تیمیه در کشورهای اسلامی سبب پویایی اسلام فقهی شد، مکتب حسن البناء نیز تعالیم خود را در اقصی نقاط پنج قاره گسترش داد و عملکرد او سبب زنده‌شدن انسانیت در عصر حاضر شد. مخالفان ابن تیمیه، حکام مصر و شام بودند، اما مخالفان حسن البناء قوای صلیبیه، صهیونیسم و کمونیسم بودند که از هر سو به او حمله کردند و ضربه زدند. حسن البناء نه دین جدیدی آورد و نه حتی تعریف جدیدی از اسلام ارائه داد که تا پیش از این مسلمانان آن را نشناخته باشند، بلکه نقش او نقش شخصیتی آگاهی‌بخش بود که

دسیسه‌های استعمار را برای مسلمانان روشن و از آنها دعوت کرد به دین اسلام برگردند؛ چون به سبب تنبلی، استبداد و علل دیگر از اسلام حقیقی بسیار دور شده‌اند (التلمسانی، ۱۹۸۲: ۷-۹). کسانی که در باب شخصیت و آرای ابن تیمیه بی‌طرفانه و همه‌جانبه تحقیق کرده‌اند، می‌دانند که تحلیل‌های تلمسانی از ابن تیمیه مطابق با واقعیت شخصیت او نیست. بدعت‌ها و تندروی‌های ابن تیمیه حتی با افکار خود تلمسانی سازگار نیست.

شورا؛ مبنای نظری احزاب سیاسی

یکی از مهم‌ترین نقاط عطف در چرخش تفکر سیاسی و منش اخوان المسلمین که توسط تلمسانی در جهت گذار به دموکراسی رقم زده شد، عدول از دیدگاه حسن البناء مؤسس اخوان مبنی بر رد نظام حزبی و احزاب سیاسی است. با این اقدام، تلمسانی نیز گامی به دولت مدرن نزدیک شد و امکان بازیگری سیاسی اخوان را در عرصه‌های سیاسی فراهم کرد، اما برای توجیه عمل خود، به یک مبنای نظری در اسلام نیاز داشت که توانست آن را از طریق نظریه شورا تأمین کند. تلمسانی بر اهمیت شورا در اسلام تأکید کرد و وجود احزاب سیاسی را شکلی از شورا در حکومت اسلامی دانست. به نظر او اگر تحزب و شورای نمایندگی می‌تواند آزادی را تضمین کند، نه تنها اسلام تفکر شورایی را رد نمی‌کند، بلکه به آن امر می‌کند. همچنین براساس تحولات و حوادثی که نسل به نسل اتفاق افتاده، اسلام برای همه دوره‌ها شکلی از حکومت را که در چارچوب شورا است باقی گذاشته است (صادقی اول و چیت‌سازیان، ۱۳۹۲ ش: ۵۳-۵۴) که در زمان ما احزاب یک نمونه از آن است.

با توجیه تئوریک فوق، با اینکه حکومت مصر حکم انحلال اخوان را داده بود، تلمسانی برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ طرح ادامه فعالیت اخوان المسلمین در قالب یک حزب سیاسی را ارائه داد. شاید وی این اقدام را که به تکثرگرایی و رقابت علنی مشروعیت و اخوان را از انحصارگرایی نجات می‌داد، عامل موفقیت اخوان می‌دانست. او در گذشته هم‌زمان هم وفدی و هم اخوانی بود و شاید نیمی از حقیقت خود را در اخوان و نیمی را در حزب وفد یافته بود. وفد بدون اعتراض حسن البناء و با وجود دشمنی وی با رهبری وفد، تلمسانی را در فهرست نامزدهای انتخاباتی خود می‌گذاشت. از سوی دیگر، با امتیازات شیوه تکثرگرایی رقابتی آشنا بود

و استفاده از مزیت‌های آن را به نفع اخوان می‌دانست. مهم‌تر اینکه ادامه فعالیت سیاسی اخوان منوط به رقابت حزبی شده بود؛ زیرا براساس قانون انتخابات، نامزد ورود به مجلس در سال ۱۹۸۴ باید عضو یک حزب می‌بود یا در صورت مستقل بودن، باید در قالب یک فهرست حزبی نامزد می‌شد. تلمسانی ضرورت سازگاری با قانون فوق و سازمان‌دهی اخوان در قالب یک حزب سیاسی را به جماعت اخوان متذکر شد و با اینکه هم با مخالفت دولت مصر و هم مخالفت برخی اعضای اخوان مواجه شد، برنامه‌اش را پیگیری کرد. او مخالفت حسن البناء با تحزب را تابع شرایط زمانی و نه یک اصل تغییرناپذیر دانست. طرح تبدیل اخوان المسلمین به حزب سیاسی، بار دیگر در سال ۱۹۸۶ مطرح و نام «حزب شورا» برای آن پیشنهاد شد (محمد و همکاران، ۱۳۸۴ ش: ۲۵۰-۲۵۱).

ابتکار تلمسانی موفقیت‌آمیز بود و اخوان المسلمین در انتخابات مجلس سال ۱۹۸۴ در قالب فهرست حزب وفد شرکت کرد؛ در نتیجه به هفت کرسی از کرسی‌های وفد دست یافت و برای اولین بار وارد پارلمان مصر شد. نمایندگان اخوان بخشی از فراکسیون اپوزیسیون وفد بودند و با حفظ استقلال و رویکرد اپوزیسیونی، در جلسات وفد شرکت می‌کردند. تلمسانی این اقدام را نوعی همکاری مطلوب می‌دانست که در آن وفد راه قانونی و جماعت اخوان پایگاه مردمی را فراهم کرده است (التلمسانی، ۱۹۸۵ م: ۱۸۵-۱۸۶). عمر تلمسانی از فضای آرمانی، ایده‌آلی، آسمانی و رویکرد انحصارگرا، که معمولاً اسلام‌گراها برای خود قائل هستند، به زمین آمد و با واقع‌بینی و گرایش به رویکرد تکثرگرا گفت، ما هم مثل سایر احزاب هستیم و به نظر دیگران احترام می‌گذاریم؛ زیرا بدون تردید، خدای احکام‌الحاکمین این حق را به آن‌ها هم داده است و ایمان و کفر دیگران به خودشان مربوط است (محمد و همکاران، ۱۳۸۴ ش: ۲۴۷).

البته تلمسانی مانند بسیاری دیگر از اعضای اخوان، خواستار اصلاح قانون اساسی مصر بود و دلیل آن را تطبیق‌نداشتن این قوانین با عقاید و اخلاق اسلامی می‌دانست. به نظر او این قوانین در طول تاریخ، کفایت‌نداشتن خود را در دفاع از آزادی و امنیت فردی و اجتماعی در مصر ثابت کرده است. در اصل این قوانین براساس عقاید و اخلاق کشورهای غربی تنظیم شده است و به هیچ وجه برای کشورهای اسلامی مناسب نیست، بلکه باید مطابق شریعت اسلامی بازنویسی و تنظیم شود تا بتواند در خدمت مسلمانان باشد (الدلال و سامی، ۲۰۰۶).

گذار عملی اخوان به دموکراسی

اگرچه برخی گذار اخوان به اعتدال‌گرایی و دموکراسی را به ظهور متفکرانی مانند یوسف قرضاوی و محمد غزالی نسبت می‌دهند (صاحبی، ۱۳۹۶ ش: ۶۲۴؛ اصلانی و مرندی ۱۳۹۳: ۲۵-۳۳)، این عمر تلمسانی بود که راه را برای نظریه‌پردازی آن‌ها فراهم کرد. عمر تلمسانی به منظور گذار اخوان به دموکراسی برای اولین بار در سال ۱۹۸۴ طرح تشکیل حزب سیاسی را ارائه داد و با نادیده گرفتن اصل سنتی اخوان، یعنی رد حزب‌گرایی که حسن‌البناء تثبیت کرده بود، اخوانی‌های سنتی را غافلگیر کرد. پیشنهاد تلمسانی، تنها شیوه‌ای برای بازگرداندن مشروعیت جماعت نبود، بلکه او معتقد بود پیوستن اخوان به سازوکار تکثرگرایی و رقابت علنی، کلید موفقیت آن‌هاست. براساس این طرح، اخوان باید برای سازمان‌دهی فعالیت‌های سیاسی خود، در قالب یک حزب سیاسی رسمی فعالیت می‌کرد؛ زیرا براساس قانون انتخابات مصر، نامزد ورود به مجلس باید عضو یک حزب می‌بود یا در صورت مستقل بودن، باید در قالب یک فهرست حزبی نامزد می‌شد؛ به این ترتیب تلمسانی، لزوم هماهنگ شدن و سازگاری با قانون یادشده و تشکیل حزب سیاسی را در جنبش اخوان مطرح کرد. وی در این راه، هم با مخالفت دولت و هم مخالف بخشی از اعضای اخوان مواجه شد. جریان افراطی در جنبش نیز تحت تأثیر مصطفی مشهور (که بعدها به عنوان پنجمین مرشد اخوان انتخاب شد) قرار داشت. با این حال توانست طرحش را پیگیری کند (محمد و همکاران، ۱۳۸۴ ش: ۲۶۴-۲۶۸). در تعریفی که او برای تطبیق شریعت اسلامی داشت، اظهار کرد که اندیشه دموکراسی اندیشه‌ای غیراسلامی است (ادریس، ۲۰۱۹ م: ۸۰). تلمسانی می‌گوید به دلیل سخت‌گیری دولت‌های مصر برای فعالیت‌های سیاسی اخوان، این جریان ناگزیر به همکاری با برخی از جریان‌های سیاسی بوده است. همچنان که خود امام حسن‌البناء معتقد بود وجود اخوانی‌ها در مجلس نمایندگان می‌تواند تأثیرات مثبتی برای جریان و امت مسلمان مصر در پی داشته باشد. در زمان او دو بار تلاش برای ورود به پارلمان صورت گرفت، اما هر دو بار شکست خورد؛ زیرا حکومت‌ها تمایلی به ورود اخوان به عرصه‌های تصمیم‌گیری نداشتند. پس از آن، اخوان با فترتی روبه‌رو شد و بر آن شدید تا رویه موجود را اصلاح کنیم. اولین قدم، یافتن جریان یا حزبی بود که بتوان با مشارکت او وارد پارلمان شد. وقتی احزاب موجود را بررسی کردیم تنها

حزبی که می‌توانست با اهداف ما نزدیک باشد، حزب الوفد بود که کمترین آزار و اذیت را به اخوان المسلمین روا داشته بود. البته این حزب برخلاف آنچه می‌گویند، سکولار نیست و حزبی اسلام‌گراست؛ زیرا سران آن در مواضع مختلفی این مسئله را ابراز کرده‌اند؛ برای مثال رئیس این حزب، فؤاد سراج‌الدین بارها اعلام کرده است که وفد، حزبی سکولار نیست و دغدغه اجرای شریعت اسلامی در عصر حاضر را دارد. وقتی از طریق این حزب برای ورود به پارلمان کوشش کردیم، با اراده الهی حدود ده نفر از اخوانی‌ها وارد مجلس ملی مصر شدند (حسین توفیق، ۱۹۹۶ م: ۹۴-۹۹).

به هر حال طی انتخابات سال‌های ۱۹۸۴ و ۱۹۸۷، نامزدهای اخوان از طریق ائتلاف با احزاب قانونی، به مجلس راه یافتند (بلایدس، ۲۰۱۱: ۱۶۰). در انتخابات سال ۱۹۸۷، اخوان از طریق ائتلاف با احزاب «عمل» و «احرار» در انتخابات شرکت کرد که نتیجه آن به دست آوردن شصت کرسی مجلس بود که سی کرسی به نامزدهای اخوان تعلق داشت (کامپانا، ۱۳۷۷ ش: ۴۶-۵۹).

تفسیر دنیا محور از ایمان و معنویت

یکی دیگر از الزامات دموکراسی برای دیندارانی مانند اخوان المسلمین، بازخوانی نگرش آن‌ها به معنویت و دنیا برای ایفای نقش در فرایند دموکراسی است. به همین دلیل تلمسانی، روحانی مشتق از روح ذکر کرد که علم کامل به آن در دسترس هیچ‌کس نیست و مقصود از معنویت و روحانیت به معنی گوشه‌گیری و انزوا تا رسیدن به حد ترک دنیا و خیرات آن را رد کرد و چنین حالتی را ناشی از بی‌ایمانی به خداوند متعال و رسول او دانست (التلمسانی، ۱۹۸۲: ۱۳ و ۱۵). او برعکس دنیا و اصلاح آن را مطلوب دانست؛ چنانکه دنیا عرصه عمل و تلاش برای اصلاح آن است. تلمسانی با استناد به آیات قرآن، تصریح کرد دنیا مکان بطلالت نیست^۱. در این دنیا استکبار و استعلاجویی بر دیگران پا گذاشتن روی حق است^۲. راهکار قرآن این است که در زمین نباید با نخوت گام برداشت؛ چراکه زمین را نمی‌توان شکافت و در بلندی نمی‌توان به کوه‌ها رسید^۳؛ بنابراین معنویت تنها عبادت‌کردن نیست، بلکه باید در این دنیا تلاش کرد^۱.

۱. اَلَّذِينَ اِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْاَرْضِ... (حج: ۴۱).

۲. ذَلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْاَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ (غافر: ۷۵).

۳. وَلَا تَمْشِ فِي الْاَرْضِ مَرَحًا اِنَّكَ لَنْ تَخْرِقَ الْاَرْضَ وَلَنْ تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا (اسراء: ۳۷).

به همین دلیل یک رکن از ارکان بیعت در اخوان، عقیده‌ای است که مبنای عمل قرار دارد. عمل قلبی نیز مهم‌ترین نوع از اعمال بشری است که کمال مورد نظر شرع را در همه ابعاد برای انسان به دنبال دارد (التلمسانی، ۱۹۸۲: ۱۴). معنویت منفعل شدن در برابر اسباب و مسببات نیست؛ زیرا خود خداوند به اخذ اسباب امر کرده است. منفعل نبودن به معنای اعتراف به فاعلیت و تأثیر این اسباب نیست، بلکه طاعت در برابر کسی است که خود خالق اسباب به شمار می‌آید و ما را به برگرفتن آن‌ها در اعمال دنیوی و اخروی مان امر کرده است. تلمسانی کم‌توجهی به عقل را که در سنت اشعری‌گری ریشه دارد و عقل را مخلوق می‌داند^۱ نقد می‌کند و می‌گوید، گوش فرادادن به خالق، بهتر، کامل‌تر و دقیق‌تر است، اما عقل حتی در دین نیز کارکردهایی دارد. وی می‌پذیرد که تصرف در امر و نهی مخصوص خداوند متعال است و هیچ راهی برای عقل به طور مطلق وجود ندارد؛ زیرا فعل الهی مبتنی بر قدرت، علم و حکمت است (همان: ۳۲ و ۶۵).

تلمسانی معتقد است ایمان اخوان المسلمین به اسلام، آن‌گونه است که سلف صالح به ظاهر و باطن دین ایمان داشته‌اند. اخوانی‌ها ایمان دارند که «امر» به شکلی کامل متعلق به خداوند متعال است؛ پس در چپستی، چگونگی، زمان و مکان آن مجادله نمی‌کنند. براساس عقل به هیچ‌یک از اوامر ظاهری و باطنی متعرض اوامر الهی نشدند، بلکه گفتند «سمعنا و اطعنا» و این پیام در تمام سطوح این جماعت به طور کامل پیروی شده است. آن‌ها می‌دانند که اگر اصول دین به نظر افراد واگذار شود، حتی ممکن است به اولوهیت خداوند تعرض شود. تلمسانی در تعریف ایمان، آن را حیات می‌داند و بی‌ایمانی را مرگ و نیستی. ایمان مجموعه‌ای کامل از اوامر و نواهی است که باید معیار عمل انسان باشد و انسان از طریق عمل به آن‌ها ایمان خود را متبلور کند. چگونه کسی می‌تواند آیات الهی را بخواند و ایمان داشته باشد، اما تعاملاتش مبتنی بر ایمانش نباشد، یا نماز بخواند و ربا بخورد! (همان: ۳۵-۳۶). ایشان همچنین در جای دیگر اضافه می‌کند که اخوان المسلمین هرگز از قدرت خود برای ایجاد تغییر، انقلاب یا کودتا علیه

۱. قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أُخْرِجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ (اعراف: ۳۲).

۲. أن الله خالق والعقل مخلوق.

رژیم استفاده نکردند؛ زیرا آن‌ها به حق سلفی هستند و هرگز به خشونت دست نمی‌زنند؛ حتی اگر حاکم فاسق و ظالم باشد (ظواهری، ۱۹۹۹: ۷۶).

تفسیر زمینی از رهبران و حاکمان اسلامی

تلمسانی اخوان المسلمین را اولین گروهی می‌داند که در دوره معاصر خواهان اجرای شریعت اسلامی در کشور مصر است و تاریخ شروع دعوتشان به سال ۱۹۲۸ بازمی‌گردد (التلمسانی، ۱۴۰۶ ق: ۱۳). جامعه‌ای که اخوان مردم را به سوی آن فرامی‌خواند، جامعه‌ای متمایز است. تلمسانی می‌خواهد روحیات و نحوه رفتار اخوانی‌ها را از برخی علمای دین جدا کند؛ به همین دلیل می‌گوید اخوانی‌ها می‌دانند که ملائکه نیستند و بشری از جنس سایر انسان‌های روی زمین هستند. ممکن است از هر انسانی خطایی سر بزند، ولی اخوانی‌ها در صورت ارتکاب خطا، به آن اقرار و توبه می‌کنند. همچنین در میان این جماعت انسان‌های گناهکار وجود دارد، اما فرق آن‌ها با دیگران در این است که بر گناهانشان اصرار نمی‌کنند. یاد خداوند سبب بینایی آن‌ها به گناهشان و ندامت از این گناهان است. سلوک اخلاقی اخوانی‌ها مصاحبت نکردن با فاسقان (التلمسانی، ۱۹۸۲: ۴۷)، تسامح در برابر اهانت‌ها و چشم‌پوشی از خطاهای دیگران است (همان: ۵۳). جامعه مطلوب اخوان جامعه‌ای است که نیکی‌ها و حسنات آن کل جماعت را شامل می‌شود و خطای موجود در این جامعه ناشی از قصور فردی است، ولی جریان به‌طور کلان دچار اشتباه نمی‌شود (همان: ۳۸). او همچنین اضافه می‌کند که دو گروه از مردم مرا بسیار آزار می‌دهند؛ یکی کارگزاران و سیاست‌مداران متنفر و بیزار از دین و فراریان از تعالیم الهی و دومی جوانان مشتاق به جنگ و شهادت، ولی کم‌تجربه که فضای جنگ برایشان مهیا نیست (العلاونه، ۱۹۹۸ م: ۱۴۵).

نتایج عملکرد تلمسانی در اخوان

با اینکه جنبش اخوان المسلمین فراز و فرودهای بسیاری داشته است (آجیلی و بیکی، ۱۳۹۷ ش: ۷۵-۱)، اما نقاط عطف این جنبش اندک است که یکی از آن‌ها را تلمسانی رقم زد. عمر تلمسانی این جنبش را به بازنگری و بازسازی خود در ابعاد تشکیلاتی، فکری و سیاسی سوق

داد. استحکام پایگاه اجتماعی و مردمی اخوان المسلمین از جمله اولویت‌های او بود (خسروشاهی، ۱۳۹۲: ۱۱۷). وی بازگشت تدریجی به عرصه سیاست و جامعه مصر را در دستور کار خود قرار داد، با درک شرایط و مغتنم‌شمردن فرصت‌ها توانست به بازسازی ساختارها و نهادهای وابسته به اخوان المسلمین پرداخت و محیط را برای خروج این جمعیت از بحران و انزوا فراهم کرد. اخوان المسلمین در این دوره با نفی خشونت، روند اعتمادسازی در روابط خود با دولت مصر را پی‌ریزی کرد. این اقدامات سبب شد تا مدتی، جماعت اخوان از ضربات و آسیب‌های دولت در امان باشد و در این فضا توانست پیوندهای خود را با جریان‌های اسلامی در داخل و خارج مصر بازسازی کند. همچنین بازگشت اخوان به عرصه دانشگاه‌ها و مراکز علمی از ثمره این سیاست بود (همان: ۱۳۵)، با این حال وضعیت غیرقانونی بودن فعالیت‌های اخوان المسلمین همچنان در دوران سادات ادامه داشت و سیاست دولت در قبال اخوان با رویکرد امنیتی همراه بود (همان: ۱۳۶).

از سوی دیگر، در دوره رهبری تلمسانی بر اخوان المسلمین، دولتمردان مصر از جمله انورسادات، به‌دنبال تنش‌زدایی با اخوان و همکاری با آنان بودند. البته حکومت درصدد رسمیت‌بخشیدن به این جماعت و فعالیت‌هایش نبود، اما آن را گزینه‌ای در برابر چپ‌گراها و تندروها می‌دانست و این سیاست، فشارها را بر اخوان المسلمین تا حد زیادی کاهش داد. تلمسانی پس از آزادی از زندان در دوره سادات، انورسادات را در کاخ عابدین ملاقات و به‌دلیل آزادی هزاران زندانی اخوان، از وی تشکر کرد. پس از ترور انورسادات، حسنی مبارک رئیس‌جمهور مصر شد. در حادثه زاویه الحمراء در ۱۷ ژوئن ۱۹۸۱ گروهی قبطی مسلح به یکی از مساجد در محله زاویه الحمراء حمله کردند و عده‌ای از مسلمانان را در حال نماز کشتند. عمر تلمسانی به‌عنوان مرشد عام اخوان طی بیانیه‌ای این حادثه را توطئه بیگانگان دانست و از برادران مسلمان و مسیحی خواست خویش‌داری و فتنه طایفه‌ای را در نطفه خفه کنند. مبارک برای کاهش تنش میان دولت و جریان‌های سیاسی، همه زندانیان حادثه زاویه الحمراء را آزاد کرد. تلمسانی نیز برای تشکر از حسنی مبارک به کاخ عرویه رفت و در ملاقات با حسنی مبارک به‌دلیل رویکرد جدید وی از او تشکر کرد. در این دیدار، تلمسانی ترور سادات را محکوم و بر

رد خشونت تأکید کرد. همچنین با سایر مبارزان مسلمان کشورهای اسلامی از جمله نواب صفوی دیدارهایی داشت (همان: ۶۴).

عمر تلمسانی را می‌توان یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های نسل اول اخوان المسلمین دانست که در سازمان‌دهی جریان پس از خروج اعضا از زندان در زمان انورسادات نقش برجسته‌ای ایفا کرد. از مهم‌ترین ویژگی‌های شخصیتی او که وجه تمایز وی با دیگران محسوب می‌شود، توانایی در گفت‌وگو و مهار مخالفان اخوان اعم از سکولارها و اسلام‌گرایان افراطی بوده است. از مهم‌ترین اقدامات اجتماعی تلمسانی، دعوت به اصلاح اجتماعی، احیای جایگاه جوانان در پیشبرد اهداف جماعت و تجدیدنظر در ساختار جریان اخوان پس از خروج از زندان در دوره انورسادات است. در دوران رهبری تلمسانی، نشریات حزبی منتشر شد و خود او در مجله الدعوه ارگان رسمی اخوان، مقالاتی منتشر کرد. تلمسانی در سال‌های بحران (۱۹۵۴، ۱۹۸۱ و ۱۹۸۴) به زندان افتاد و سال‌های متمادی در زندان به سر برد. برخی معتقدند تجربه‌های تلخ تاریخی و سیاسی اجتماعی، افراد را به واقع‌گرایی نزدیک می‌کند و گرایش اخوان به فرایندهای دموکراتیک و مشارکت در قدرت از راه‌های مدنی از جمله این‌هاست (دومانلو، مقدم و فیرحی ۱۳۹۳ ش: ۴۲-۴۵).

نتیجه‌گیری

معمولاً رهبران کاریزماتیک مشکل چندانی برای رهبری به‌ویژه در میان پیروان یا ساختار سازمانی خود ندارند؛ زیرا ایده‌ها و دیدگاه‌های آن‌ها با استقبال مخاطبان روبه‌رو می‌شود، اما رهبران غیرکاریزماتیک که تلمسانی از جمله آن‌ها بود، برای هرگونه تغییر و تحول راه دشواری در پیش دارند و با مخالفت و مقاومت روبه‌رو می‌شوند. در اینجا است که درایت و مدیریت این‌گونه رهبران از یک سو و دانش و تفکر و قدرت اقناع آن‌ها از سوی دیگر عوامل اصلی در موفقیت آن‌ها خواهد بود. عمر تلمسانی سومین مرشد اخوان المسلمین را می‌توان نقطه عطفی در تغییر اندیشه‌ها و منش‌های این جماعت دانست. او یک اسلام‌گرای واقع‌بین، باتجربه و میانه‌رو بود که توانست آرمان‌های اخوان را با واقعیت‌های جهان سیاست پیوند دهد. در راستای اهداف این جماعت، او از برقراری حکومت اسلامی و اجرای شرع الهی در جامعه به‌شدت دفاع

کرد. همچنین دین اسلام و شرع الهی را کامل‌ترین قانون برای حیات بشری دانست و در همه حال اصالت را به اسلام داد. بر مبنای این تفکرات که جزء اصول فکری اخوان بود، تلمسانی این جنبش را از گفتمان سنتی خلافت عبور دارد و به دنیای مدرن احزاب و انتخابات وارد کرد. اگرچه او بر ملی‌گرایی و میهن‌دوستی تأکید داشت، وحدت امت اسلامی را مقدم شمرد و عدالت راستین را تنها در چارچوب قوانین الهی ممکن دانست. البته او دور از تعصب، انعطاف لازم را متناسب با هر شرایطی داشت و معتقد بود قوانین الهی در چارچوب زمان و مکان و با توجه به شرایط باید اجرا شود. به‌منظور پیوند اسلام با الگوهای جدید و عمدتاً غربی، او نظام حزبی را با شورا پیوند زد و میان عالمان مسلمان و طبقه روحانیت مسیحی تفاوت قائل شد که این تفاوت به او اجازه داد حکومت مطلقه الهی و اتصال حاکمان مسلمان با خدا را قبول نکند و آن‌ها را افرادی معمولی بداند که از خطا مصون نیستند و باید تحت نظارت و موظف به پاسخگویی باشند؛ بنابراین از دیگر اقدامات مهم تلمسانی در جهت گذار به دموکراسی، زمینی کردن حکومت اسلامی و حاکمان آن و قداست‌زدایی از آن بود. در پایان باید بیان کرد که مشکلات کشورهای جهان سوم، از جمله مصر در گذار به دموکراسی، بسیار عمیق‌تر و فراتر از مباحث و اقدامات تلمسانی و امثال اوست. این کشورها با وجود ظاهر، هنوز در بدیهیات تفکر و تعامل و مدنیت باقی مانده‌اند.

منابع

- الدلال، ابراهیم و سامی، عبدالله (۲۰۰۶). *الاسلاميون والديمقراطية في مصر*. القاهرة: مكتبة مدبولی، نسخه الکترونیة.
- ابوداود، سلیمان ابن اشعث (۱۴۲۰). *سنن ابی داود*. تحقیق سید محمد سید، عبدالقادر عبدالخیر و سید ابراهیم. القاهرة: دارالحديث.
- آجیلی، هادی و بیکی، مهدی (۱۳۹۷). نسبت اندیشه و عملکرد سیاسی اخوان المسلمین مصر. *مطالعات خاورمیانه*، (۹۳).
- ادریس، یوسف (۲۰۱۹). *عزف منفرد: دراسات و مقالات*. القاهرة: المحرر الادبی للنشر والتوزیع و الترجمة.

اصلانی، فیروز و مرندی، الهه (۱۳۹۳). بررسی تحولات اندیشه دولت اسلامی نزد اخوان المسلمین از آغاز جنبش تا پس از انقلاب ۲۰۱۱ مصر. *دوفصلنامه نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان*، (۶)، صص ۱۱۳-۱۳۶.

اسپریگنز، توماس (۱۳۹۸). *فهم نظریه‌های سیاسی*. ترجمه فرهنگ رجایی. تهران: نشر آگه.
آل یمین، حامد (۱۳۹۸). تأثیر زیست دینی حسن البناء بر هویت عرفانی اخوان المسلمین. *فصلنامه پژوهش‌های ادیانی*، (۱۴).

ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمودرضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. *مجله پژوهش*، ۳(۲).
التلمسانی، عمر (۱۴۰۰). *الملهم الموهوب حسن البناء*. قاهره: دارالانصار.
التلمسانی، عمر (۱۴۰۶). *آراء فی الدین والسیاسة، دراسة و اعداد*. ترجمه سید هادی خسروشاهی. ایتالیا: مرکز الثقافة الإسلامية فی أوروبا.

التلمسانی، عمر (۱۹۸۲). *بعض ما علمنی الاخوان المسلمین*. الطبعة الثانية. القاهرة: مطبعة دارالنشر للثقافة.

التلمسانی، عمر (۱۹۸۴). *ایام مع السادات*. القاهرة: دار الاعتصام.
التلمسانی، عمر (۱۹۸۵). *آراء فی الدین والسیاسة*. روما، ایتالیا: مرکز الثقافة الإسلامية فی اوروا.
التلمسانی، عمر (۱۹۸۵). *ذکریات لا مذكرات*. القاهرة: دارالتوزیع و النشر الاسلامیه.
التلمسانی، عمر و عصام، غازی (۲۰۰۸). *عمر التلمسانی: من التانجو فی عماد الدین الی زعامه الاخوان المسلمین*. القاهرة: دار هلا للنشر و التوزیع.

الجوهري، عبدالرحيم بن محمد (۱۹۸۶). *عمر التلمسانی مجاهداً، مفکراً، كاتباً*. القاهرة: المؤسسة الإسلامية الدولية للطبع والتشیر والتوزیع.

حسین توفیق، ابراهیم (۱۹۹۶). *الدور السياسي لجماعة الاخوان المسلمین فی ظل التعددية السياسية المقیادة فی مصر: دراسة فی الممارسة السياسية، ۱۹۸۴-۱۹۹۰*. القاهرة: مرکز المحروسة للبحوث والتدريب والمعلومات والنشر.

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲). *گفت‌وگوی عمر التلمسانی با هادی خسروشاهی*. *مجله العالم*، (۹۱)، ۴۴.

خسروشاهی، سید هادی (۱۳۹۲). *اخوان المسلمین چه می‌گویند و چه می‌خواهند؟* قم: بوستان کتاب.

خسروی، غلامرضا (۱۳۹۰). حسن البناء. در علی اکبر علیخانی (ویراستار)، *اندیشه سیاسی متفکران مسلمان*، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم تحقیقات و فناوری، ۳۹۹-۴۴۵.

دومانلو، طیبه، مقدم، محمودرضا و فیرحی، داود (۱۳۹۳). *دموکراسی یا اقتدارگرایی، ناکامی سیاسی اخوان المسلمین. پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، (۱۰).

السماسیری، محمودیوسف (۲۰۰۸). *فلسفات الاعلام المعاصره فی ضوء المنظور الاسلامی*. عمان: المعهد العالمی للفکر الاسلامی.

صاحبی، محمدجواد (۱۳۹۶). *جنبش‌های فکری و دینی در جهان اسلامی معاصر*. قم: نشر ادیان. صادقی اول، هادی و چیت‌سازیان، محمدرضا (۱۳۹۲). *رویکرد اخوان المسلمین در قبال فرایند دموکراسی در مصر. پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، (۲).

ظواهری، ایمن (۱۹۹۹). *الحصاد المر: الاخوان المسلمون فی ستین عاما*. بیروت: دار البیارق. العدوی، مصطفی (۱۹۸۷). *عمر التلمسانی بین حماس الشباب وحکمة الشیوخ*. القاهرة: دار الأفصی للکتاب.

العلاونه، احمد (۱۹۹۸). *ذیل الاعلام. الطبعة الاولى*. السعودیه: دار المنارة للنشر و التوزیع. کامپانا، ژوئل (۱۳۷۷). *دولت جامعه مدنی و اسلام‌گرایی در خاورمیانه: اخوان المسلمین از رویارویی تا همکاری*. ترجمه حمید احمدی. *ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی*، (۱۲۷ و ۱۲۸). محمد، ابراهیم و دیگران (۱۳۸۴). *اخوان المسلمین مصر*. گروه ترجمه. تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور.

هارونی، یحیی بن حسین (۱۴۲۲). *تیسیر المطالب فی أمالی ابی طالب*. تحقیق جعفر بن احمد ابن عبدالسلام. یمن، صنعا: مؤسسه الامام زید بن علی الثقافیه.

Blaydes, L. (2011). *Elections and distributive politics in Mubarak's Egypt*. Cambridge: Cambridge University Press.

التلمسانی، عمر. *الإسلام والحکومة الدینیة*. بازیابی در

<http://www.ikhwanonline.com/Article.aspx?ArtID=86085&SecID=373>